**باب ششم**

**در وجوب اشتغال بکسب و کار**

جمال قدم جلّ جلاله در کتاب مستطاب اقدس ميفرمايند قوله تعالی:

"يا اهل البهآء قد وجب علی کلّ واحد منکم الأشتغال بامر من الأمور من الصّنايع و الأقتراف**[[1]](#footnote-1)** و امثالها و جعلنا اشتغالکم بها نفس العبادة للّه الحقّ تفکّروا يا قوم فی رحمة اللّه و الطافه ثمّ اشکروه فی العشيّ و الاشراق **[[2]](#footnote-2)**. لا تضيّعوا اوقاتکم بالبطالة و الکسالة و اشتغلوا بما ينتفع به انفسکم و انفس غيرکم کذلک قضي الامر في هذا اللّوح الّذی لاحت من افقه شمس الحکمة و التّبيان. ابغض النّاس عند اللّه من يقعد و يطلب تمسّکوا بحبل الأسباب متوکّلين علی اللّه مسبّب الأسباب." (بند ۳۳)

و در لوح ملّا علی بجستانی مخاطبا لمحمّد حسين از قلم جمالقدم جلّ جلاله نازل قوله تعالی:

"کلّ را بصنعت و اقتراف امر نموديم او را از عبادت محسوب داشتيم. در اوّل امر بايد ثوب امانت را از يد عطا که مقام قبولست بپوشی چه که اوست اوّل باب برکت و نعمت."

و در لوح بشارات نازل:

"بشارت دوازدهم قد وجب علی کلّ واحد منکم الأشتغال بامر من الامور هر نفسی بصنعتی و يا بکسبی مشغول شود و عمل نمايد آنعمل نفس عبادت عند اللّه محسوب ان هذا الّا من فضله العظيم العميم."

و در لوح امين ميفرمايند:

"در اينظهور اعظم کلّ بکسب و اقتراف و صنايع متوکّلا علی اللّه المهيمن القيّوم مأمورند و اينح کم در الواح مؤکّدا نازل."

و در لوح آقا محمّد باقر نبيل مسافر نازل قوله تبارک و تعالی:

"و همچنين جميع را امر فرموديم که بشغلی از اشغال مشغول باشند طوبی از برای نفوسيکه حمل نمود**[[3]](#footnote-3)** و حمل نشد بکسب و اقتراف توجّه نمايند فلسی از آن عند اللّه احبّ است از کنزيکه بغير حقّ جمع شود و آماده گردد."

بيانات مبارکه که در اينخصوص از قلم جمال مبارک نازل گرديده بسيار و در کلمات مبارکه مکنونه و لوح دنيا و ساير الواح مسطور و نازل گرديده مراجعه فرمايند.

حضرت عبدالبهاء جلّ ثنائه در لوح فارس شيراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه آقا ميرزا بزرگ آقا ميرزا علی محمّد خان عليه بهاءاللّه الابهی ميفرمايند قوله العزيز:

"جمعی الآن در اين جهانند و بظاهر و باطن سرگشته و پريشان و مهمل و معطّل و بار گران بر ساير ناس. بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف نگردند و خود را از آزادگان شمرند .... اينگونه نفوس مهمله البتّه مقبول نه زيرا هر نفسی بايد کار و کسب و صنعتی پيش گيرد تا او بار ديگرانرا حمل نمايد نه اينکه خود حمل ثقيل**[[4]](#footnote-4)** شود و مانند علّت کابوس مستولی گردد."

و در لوح ديگر ميفرمايند:

"هو الأبهی ای بنده جمال قدم در جميع امور متوسّل بحيّ قيّوم شو و متوکّل بربّ ودود. قلب انسان تا اعتماد بر حضرت يزدان ننمايد راحت و آسايش نيابد. بلی سعی و کوشش جهد و ورزش لازم و واجب و فرض و قصور و فتور**[[5]](#footnote-5)** مذموم و مقدوح**[[6]](#footnote-6)** بلکه شب و روز آنی نبايد مهمل بود و دقيقه‌ای نبايد از دست داد چون کاينات سايره بايد ليلا و نهارا در کار مشغول شد و چون شمس و قمر و نجوم و عناصر و اعيان ممکنات در خدمات مداومت کرد. ولی بايد اعتماد بر تأييدات نمود و اتّکاء و اتّکال**[[7]](#footnote-7)** بر فيوضات کرد زيرا اگر فيض حقيقت نرسد و عون و عنايت شامل نگردد زحمت ثمر نبخشد کوشش فايده ندهد و همچنين تا باسباب تمسّک نشود و بوسايل تشّبث نگردد ثمری حاصل نشود ابی اللّه ان يجری الأمور الّا باسبابها و جعلنا لکلّ شیء سببا."

1. اقتراف: کسب و کار [↑](#footnote-ref-1)
2. عشيّ: شامگاهان – اشراق: صبحگاهان [↑](#footnote-ref-2)
3. حمل نمود و حمل نشد: يعنی زحمت کشيد و باعث زحمت ديگران نشد [↑](#footnote-ref-3)
4. **حمل ثقيل:** بار سنگين [↑](#footnote-ref-4)
5. **قصور و فتور:** کوتاهی و سستی [↑](#footnote-ref-5)
6. **مذموم و مقدوح:** زشت و ناپسند [↑](#footnote-ref-6)
7. **اتّکال:** اعتماد کردن [↑](#footnote-ref-7)